

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بررسی ادبیات حماسی در ایران و جهان

زهرا باژدان

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ایلام

bazhdan۴۸۷@gmail.com

چکیده:

حماسه در لغت به معنای «دلآوری، دلیری و شجاعت» است و در نوع ادب حماسی یا آثار منظوم و مثنوی حماسی از رخدادهای پهلوانی و اعمال داوری و مردانگی قهرمانان و پهلوانان یک ملت یا یک آئین و کیش گزارش و توصیف می‌شود، که در راه استقلال کشور یا تکوین حکومت و حفظ آیین خویش می‌کوشند و با دشمنانشان می‌جنگند. صورت هنری از مجموعه عواطف و احساسات مردمان یک سرزمین است که طی روزگاری دراز در ادبیات ملل پدیدار شده است هر آنچه که این عواطف و احساسات را بیشتر تحریک می‌کرد مانند جنگ، نابرابری، فداکاری و میهن دوستی، بازتاب آن در شکل و رنگ حماسه‌ها بیشتر ظاهر می‌شد. حماسه‌ها از روایاتی سخن یم گویند که زمانی نزد قوم صاحب حماسه، به واقعیت تاریخی گذشته دور آنها تعلق می‌گردید. حماسه یا شعر پهلوانی مانند رمان، قصه و غیره یکی از اقسام شعر نقلی است. گفته‌اند که حماسه از چهار اصل ریشه می‌گیرد: تاریخ، زندگی فردی، تخیل محض و روایات جاری شفاهی و کتبی شامل قصه و اسطوره از هر گونه واقعه تاریخی حماسه زاء، گاه در حماسه زمان و مکان و اشخاص اصلی خود را حفظ می‌کند و گاه بر زمان و مکان و اشخاص دیگری منتقل می‌گردد. در کالبد حماسه، گاه شدت عملیات تاریخی چنان که ویژه حماسه است، سخت غلوآمیزست. ولی گاه شدت واقعی و تاریخی این عملیات خود به اندازه ای است که حماسه جز آنکه جامه حماسی بر آن بپوشاند کار دیگری نیم کند. ما در این مقاله به بررسی ادبیات حماسی در ایران و جهان پرداخته ایم.

کلمات کلیدی: ادبیات حماسی، ادبیات ایران، ادبیات جهان

مقدمه:

لازمه پیدایش یک منظومه حماسی تنها وصف جنگ و خونریزی نیست بلکه یک اثر حماسی کامل باید دارای این ویژگی‌های باشد که ضمن توصیف پهلوانی‌ها و مردانگی‌های یک ملت، نمایانگر عقاید، آراء، سنت‌های پسندیده و فرهنگ تمدن آن ملت نیز باشد. در این بین داستان‌های ملی و پهلوانی از قدیم‌ترین موضوعات نثر فارسی است. ایرانیان سده‌ی چهارم داستان‌های ملی و پهلوانی را تاریخ ایران می‌دانستند و به جهت حفظ هویت ملی در گردآوری و نگارش آن داستان‌های حماسی اهتمام تمام داشتند. نگارش موضوعات حماسی در قرن پنجم رواج بسیاری داشت ولی با گذر زمان از اوج آن کاسته شد. کهن‌ترین نمونه عصر حماسی بعد از شاهنامه ابومنصوری حماسه داراب‌نامه طرطوسی در قرن ششم است. که داستان داراب و پهلوانی‌های بسیاری او در ایران و جزایر یونان است. شیوه داستان‌گویی داراب‌نامه مبتنی است بر ماجراهای گوناگونی که در طی سفرهایی برای قهرمان داستان پدید می‌آید، می‌توان این داستان را با داستان‌های

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

عیاری یا پیکارسک که در قرن شانزدهم در اسپانیا مرسوم شد، مقایسه کرد. چرا که در داستان‌های پیکارسک نیز خواننده با ماجراهای گوناگونی مواجه می‌شود که در زندگی یک قهرمان پدید می‌آید. به روایت ابوالقاسم فردوسی داراب فرزند همای چهر آزاد و بهمن بود که پس از تولد، مادر او را در صندوقی نهاد و به اب افکند و گازی وی را از آب درآورد و از این روی او را داراب نامید. اما در مآخذ پهلوی این نام دارا یا دارای ذکر شده چنانکه در ترکیب دارای داریان ملاحظه می‌شود و فردوسی از آن هنگام که داراب به تخت شاهی نشست تا آخر او را دارا خوانده است:

چو دارا به تخت کیی برنشست کمر بر میان بست و بگشاد دست

از جنگ دارا با فیلقوس و صلح با وی و گرفتن دختری را به زنی علاوه بر شاهنامه در بعضی از مآخذ دیگر سخن رفته است. اصولاً داستان دارب به آن اختصاری که در شاهنامه می‌بینیم نبوده بلکه شاهد و مدعا کتاب دارب نامه طرطوسی است.

در کل کتاب داراب‌نامه از عالی‌ترین نمونه‌های نثر فارسی در دوره‌ی اول است که با نثری ساده و مرسل نگاشته شده است. در نثر این دوره شیوه‌های بیان ادبی از قبیل صنایع بدیعی و ابزار بیانی به ندرت دیده می‌شود. مختصات بلاغی نشرهای این دوره عموماً همان مختصات نثر دوره پهلوی از قبیل تکرار و کوتاهی جمله و به طور کلی ایجاز است. از مترادفات استفاده نشده و توصیفات به صورت کلی و کوتاه آورده شده است و بیشتر معطوف به امور بیرونی است تا امور درونی و انفسی. لذا از آنجایی که تا به حال پژوهشی در زمینه مختصات سبک حماسی داراب‌نامه صورت نگرفته، به مطالعه و بررسی مختصات سبک حماسی این متن منثور در سطح زبان با بررسی آوایی، لغوی و نحوی پرداخته شد.

«حماسه واژه‌ای عربی از مصدر حماس به معنی شدت و حدت در کار است و حماسه یعنی دلیری، دلآوری. حماسه در ادب عرب تنها به قصایدی که شاعران عرب در مفاخرات قبیله‌ای خود می‌سرودند گفته می‌شد، ولی در زبان فارسی حماسه همه‌ی انواع داستانهای رزمی و پهلوانی را در بر می‌گیرد، یعنی عملاً به معنایی بکار می‌رود که در زبان‌های غربی EPOS گفته می‌شود. EPOS به معنی داستان و منظومه‌ی رزمی، یکی از انواع بزرگ ادبیات روایی یا نقلی است. حماسه می‌تواند کوتاه یا بلند باشد. ساخت کوتاه آن را سرود حماسی می‌نامند و در فارسی می‌توان آن را چکامه نامید. ساخت بلند آن را داستان حماسی می‌نامند و در فارسی می‌توان رزمنامه نامید. حماسه از نگاه لفظ می‌تواند پیوسته یا گسسته، گفتاری، بدیهی یا نوشتاری باشد. حماسه از نگاه ماهیت می‌تواند سنتی یا ساختگی، هنری یا عامیانه باشد. حماسه از نگاه نوع می‌تواند پهلوانی، پهلوانی-عشقی، تاریخی، مذهبی و مضحک باشد.»

دلایل گرایش به حماسه

حماسه در دوره‌های اضطراب هویت، هراس و ترس از در معرض خطر بودن هویت یک ملت، همزمان با هجوم فرهنگ، قوم، عقاید و باورهایی که می‌خواهند به عرصه‌ی ظهور برسند و خواه ناخواه به هویت قبلی دست یازند؛ به وجود می‌آید. آفرینش حماسه و نوع آن در هر دوره‌ای بسته به شرایط آن زمان، و تهدیدها و خطرات آن دوره است.

«دلیل بوجود آمدن یک منظومه‌ی حماسی پهلوانی و دینی و کمال آن در اینست که به ایام و لحظات خاصی از حیات ملی یک قوم منوط باشد و مراد از این ایام و لحظات خاص دوره‌هاییست که مردم با معتقدات ساده و ابتدائی خود به طبیعت و به طریق نامحسوس مشغول مجاهده و نبرد یا تشکیل ملیت و مدنیت خود بودند و از این طریق باید معترف بود که اولین اعصار حیات هر ملت بهترین و مساعدترین ادوار برای ظهور و تکامل اینگونه حماسیات است.»

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

حماسه ملودی رویداد رزمی است و صفت بارز آن برانگیختن حس شگفتی و ستایش است و به این دلیل حماسه را وارد قلمرو اسطوره کرده‌اند تا شگفتی زایی آن بیشتر شود. موضوع حماسه باید امر مهمی باشد که ص:۳

روزگاران مختلف افراد یک ملت در آن نقش داشته‌اند. درونمایه‌هایی مانند تشکیل ملیت، به دست آوردن استقلال و تشکیل حکومت مستقل، دفاع از آب و خاک در رویارویی با دشمنان که استقلال را تهدید می‌کنند.

«حماسه‌ها بازتاب مشکلات، درگیریها، آرزومندیها و مبارزات گروهی و متحدانه‌ی مردمی متفکر و با فرهنگ، در شکل‌دهی تمدن و وصول به آرمان‌های انسانی و مقاومت در برابر عوامل نفی از قبیل دشمنان، آفات طبیعی و مشکلات اقتصادی و سیاسی است.»

حماسه‌ها زاده‌ی جوامع متمدن و با فرهنگی هستند که به وحدت و انسجامی دست یافته و با دریافت هویت ملی و مذهبی و فرهنگی خود، از تهاجمات بیگانگان جلوگیری می‌کنند. از طریق حماسه حفظ و انتقال ارزش‌های انسانی و مشترک مادی و معنوی خود به نسل‌های بعد صورت می‌گیرد. اما با این همه می‌توان گفت «گروش به حماسه همیشه امکان پذیر نیست، زیرا این امر نیازمند تحقق بسترهای مناسب اجتماعی، تاریخی و فرهنگی خاصی است که همیشه میسر نمی‌باشد.»

محرک روح حماسی در ایرانیان در اوایل عهد اسلامی، شکست از اعراب و پدید آمدن حس کینه جویی و انتقام و اعاده‌ی استقلال و نشان دادن عظمت و قدرت نژاد ایرانی در اعصار گذشته بود. این عوامل در قرون دوم، سوم و چهارم در نهایت شدت وجود داشت و بار این درخت تناور در نیمه‌ی قرن چهارم رسید.

در تشکیل یک دولت، هر ملتی با گذر از جریان وسیع حوادث و فطرت که نیازمند قهرمانان و دلاورانی است که از آن پدید آمده و به کسب استقلال و تحکیم مبانی ملیت نائل گشته‌اند و این رشادت‌ها در ذهن مردم ثبت گشته و سینه به سینه و دهان به دهان نقل می‌شده و از مجموعه‌ی آنها تاریخ ملل قدیم پدید می‌آید و آن ملت‌ها به جای تاریخ مدون از طریق همین روایات که با افسانه‌ها نیز می‌آمیختند آگاه می‌شدند. اما در این میان شاعران و نویسندگانی که به ذکر مفاخر ملی و بیان پهلوانی‌ها و رشادت‌های خود علاقمند بودند صاحبان روح ملی بودند و این روایات را گردآوری می‌کردند بدون اینکه خللی در آن وارد نمایند. اما همین سبب شد تا ص:۴

راویان نیز نقل روایات را کنار گذاشتند و روایات پیشین فراموش شده و این اشکال بزرگی را در مقایسه این منظومه‌های حماسی با مأخذ اصلی آنها بر جا می‌گذاشت.

درباره‌ی آفرینش حماسه رستگار فسایی این چنین بیان می‌دارد: «برآمدن هر حماسه‌ای، معلول شباهت دوران شاعر حماسه‌ساز با دوران‌های قهرمانی و اساطیری و مضامین مشترک و هدف‌های همگون آن دو دوران است، گویی قهرمان، هزاران سال راه می‌پیماید تا به دورانی برسد که شاعری ماجراها و داستان‌های او را از زبان حال و سرنوشت مردم خود و دوران خویش بشناسد و بتواند بار دیگر به آن قهرمان جان و هستی ببخشد.»

مهمترین منبع سراینندگان حماسه‌ها، راویان و قصص و داستان‌های آنها است که سینه به سینه نقل شده و جز منابع دست اول حماسه هستند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

شاعر حماسی در سرودن حماسه نظرات شخصی خود از رویدادها را مطرح نمی‌کند بلکه با خاطری آرام، اسطوره و تاریخ را ورق می‌زند و از آن آنچه را در خور شنونده می‌داند، نقل می‌کند. وجود او در حماسه احساس نمی‌شود و نظرات او تنها به رنگ مسائل زمان و مکان و با واسطه در بینش و کردار اشخاص حماسه بازتاب می‌یابد.

در این میان، بررسی روابط بین حماسه و مسائل مهمی چون اجتماع، اسطوره، دین و تاریخ نکته‌ای بسیار حائز اهمیت است که هر کدام به نوعی در حماسه ریشه دوانده‌اند و نقش بسزایی را در خلق انواع حماسه ایفا کرده‌اند.

پیوند حماسه با اجتماع

یک جامعه عبارت است از یک موجود زنده، یعنی جوانی، رشد، کمال، پیری و مرگ دارد و این امری قطعی است و بعد زندگی را می‌سپارد به یک جامعه‌ی لایق‌تر دیگر و خودش از بین می‌رود. این یکی از قوانین اجتماعی است بنابراین هیچ قهرمانی و هیچ نابغه‌ای نمی‌تواند مرگ یک جامعه را به کلی از بین ببرد و جامعه و تمدن بی‌مرگ بسازد. تمدن در حالیکه رشد می‌کند مرگ خودش را در داخل پرورش می‌دهد تا جایی که نیروی حیاتی‌ش به تحلیل می‌رود و عوامل میراننده‌ی او تقویت می‌شود و بعد آن، جامعه از بین می‌رود و حیات را می‌سپارد به یک جامعه‌ای وارث. بدین صورت تاریخ، انسانها و جامعه‌ها پدید می‌آید و این قانونی است که ص:۵

باید کشفش کرد و دست هیچکس هم نیست و حتماً در جامعه وجود دارد مانند قانون مرگ و حیات در موجودات زنده.

«تغییر و تحول جامعه معلول اراده، امیال، خوی و رفتار و اعمال "ناس" است که طبق آیه‌ی ۱۱، سوره‌ی رعد که خداوند فرموده است «ان الله لا یغیر ما یغیروا ما بأنفسهم»: «خداوند آنچه را که در قومی هست دگرگون نمی‌سازد تا آن گاه که آنان آنچه را در روانشان هست دگرگون سازند». تحول جامعه معلول مشیت خداوند نیست؛ معلول تغییر و تحول اخلاقی و روانی خود جامعه است و همین مشیت خداوند است و همین نیز، خود، یکی از سنت‌ها است.»

مبنای اصلی هویت برگرفته از عقاید و آرمان‌های اجتماع در طول سالیان است. جامعه در خلال آشوب این وقایع وظیفه‌ی حفظ و صیانت از عقاید و باورهای خود را برگردن می‌گیرد و اینچنین با روایات با نوشته‌ها به وظیفه‌ی مهم خود عمل می‌کند و در این راستا به خلق آثاری دست می‌زند که برای روزگار خود نقش آفرین بوده است. اما در بیان خود حماسه و قالب و پیکره‌ی آن می‌توان گفت نمودی از روح و هویت یک جامعه است.

«هویت ایرانی، برآیندی است از عوامل اجتماعی، سیاسی، جغرافیایی و وقایع تلخ و شیرین در طول زمان، برای مردم کشوری کههنسال که در چهارراه جهان ایستاده‌اند. این عوامل فرهنگ و روش و منش آنان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و به طور طبیعی در هنر، شعر، معماری، آیینهای دینی و رسوم جهاننداری و روابط فردی و جمعی، درونی و بیرونی مردم این مرز و بوم متجلی می‌شود.»

شکل و محتوای حماسه به معنای واقعی، آگاهی مذهبی، آیینی، زندگی سیاسی و داخلی، نیازهای انسانی و ... است. در کل زندگی اخلاقی، خانوادگی، صلح و جنگ، نیازها، هنرها، عادات و رسوم و منافع ملی و خلاصه تصویری از یک راه کامل اندیشیدن و صحنه‌ای کامل از یک تمدن را در خود می‌گنجاند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

یک مسأله‌ی اساسی را باید در حماسه در نظر داشت و آن اینکه باورها و کنش‌ها و رفتارها و زندگی پهلوانان حماسی، اگرچه دارای تجلی فردی است، اما حول روابط خانوادگی و زندگی صرفاً خصوصی آنها دور نمی‌زند بلکه در باور، رفتار، کنش، زندگی و مرگ برای صلح بخشی از موقعیت عمومی یا به خاطر آن است. از اینرو ص: ۶

می‌توان گفت که حماسه تنها تصویر زندگی فردی نیست بلکه زندگی و ارزش‌ها و عقاید جامعه را نیز در خلال زمان بیان می‌کند.

در کتاب آهنگ بیداری، فخرالاسلام، شاعران را از جهت بینش به دو گروه دارای نگرش سرزمینی و گروه دیگر بینش فراسرزمینی و جهانی، که با اشاره به اهمیت اجتماع و میزان تأثیر شاعر بر اجتماع و اجتماع بر شاعر بحث می‌کند، که بی‌ربط به مسأله‌ی ناخودآگاه جمعی نیست «ذهنیت شاعر پیرامون دردهای بحران‌آمیز مردم سرزمینش می‌گردد و انتقادهای گوناگون خود را نیز متوجه گروه‌های اجتماعی کشورش می‌سازد. او به جوامعی که در آن سوی مرزها زندگی می‌کنند اعتنایی نمی‌کند و تنها به سرنوشت مردم سرزمین خود می‌اندیشد و نگرانی‌اش نیز به ارزش‌های ملی چه در محدوده‌ی فرهنگ و اخلاق و چه در حیطه‌ی دین معطوف می‌شود.»

مهمترین بخش منابع حماسی ما دریای جوشان و زنده و پویای خاطرات ناخودآگاه مردم ایران بود که مصائب گذشته را با استواری و تزلزل ناپذیری خاص ایرانی تحمل کرده و در هر شهر و روستایی که زندگی کرده بودند خویشتن خویش را علیرغم تهاجمات گوناگون نظامی، فرهنگی و اجتماعی از یاد نبرده بودند و ارزشهای ایرانی خود را در همه ابعاد مادی و معنوی آن پاسداری کرده بودند.

هر حماسه‌ی طبیعی می‌تواند قصه‌ی پرغصه و ماجرای همه جانبه‌ی هستی همه‌ی انسانها باشد که حماسه اگرچه زندگی جامعه‌ای خاص را در دورانی معین بازمی‌گوید ولی عملاً سرگذشت کلیت انسان را هم بیان می‌دارد و از همین جا است که حماسه از داستانهای مفاخره آمیز قبیله‌ای که تنها روایت فرعی شجاعت‌ها و خودستایی محدود و فردی را در بر دارد فاصله می‌گیرد و به عنوان یک میراث جمعی و بسیار پیچیده و متنوع جهانی می‌شود.

«واقعیت آنست که ماندگاری ارزش‌ها و پاسداری از مرزهای سرزمین و حفظ ایران بیش از آنکه وابسته به وجود شهریار باشد، حضور جهان پهلوان را می‌طلبیده است.»

نقش حماسه در اجتماع که گذشته به خدمت حال و آینده در آمد و تاریخ نقشی دگرگونه یافت؛ و حماسه ملیت داستانی رفتگان جلوه‌گاه هویت ملی آیندگان و سرگذشت حماسی پیشینیان و زاد راه نیامدگان شد.

تأثیر حماسه از اجتماع آن گاه آشکار می‌شود که مشاهده می‌کنیم «حماسه، پیشوایان، قهرمانان یا پادشاهان یک قوم یا یک ملت را آنچنان که در اساطیر یا خاطره‌ی مردمند، توصیف می‌کند. مصالح یک اثر حماسی در اسطوره‌ی ملی یا در اذهان مردم زمینه دارد؛ به همین سبب است که یک قطعه یا اثر حماسی اصیل، بیانگر منش‌های عام و پذیرفته‌ی فرهنگ قومی یا ملی است. مردم آن قوم یا ملت ضربان زندگی گذشته‌ی خویش را در داستان‌های حماسه‌ی ملی و در کردار اشخاص آن احساس می‌کنند.»

رفتار و منش‌ها و آرزوهای مردم یک سرزمین در بطن حماسه در خلال داستان‌ها مطرح است. و حوادث قهرمانی، جدال آرمان گرایانه، اخلاق و رفتار فردی و ملی، سنت‌ها و رسوم اجتماعی مردم جامعه‌ی همان دوران خاصی به تصویر کشیده می‌شود.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بر همین اساس، می‌توان گفت حماسه آیینی زندگی مادی و معنوی مردم و حیات آرمانی و سیاسی و فرهنگی آنها است و هر حماسه‌ای مهر و نشانی خاص از زندگی و فرهنگ و آرمان‌های مردم را در برهه‌ای از تاریخ، در بر دارد و عمق باورها و گستره‌ی هدفها و تمدن و صنعت و هنر این مردم و مشکلات آنها را بازگو می‌کند.

هر حماسه‌ای می‌تواند زندگی جامعه‌ای در دوران خاص را بیان کند اما این در حقیقت میراث جمعی و بسیار متنوعی است که منحصر به فرد مشخصی نیست بلکه جامعه‌ی زمان آن فرد را در بر می‌گیرد. شناخت مقام حماسه در نظام یک جامعه و تأثیر شکوهمند آن در حیات و تاریخ و مردم آن جامعه مقدر نیست، مگر آن گاه که از اسطوره نیز تصور روشنی به‌دست آورده باشیم. با این حساب ارتباط حماسه و اجتماع را در درازای زمان می‌توان نوعی نقش حفاظتی به حساب آورد.

ادبیات چیست؟

ادبیات یکی از گونه‌های هنر است و کلمات، مصالح و موادی هستند که شاعر و نویسنده با بهره‌گیری از عواطف و تخیلات خویش آن‌ها را به کار می‌گیرد و اثری ادبی و هنری پدید می‌آورد.

در آثار ادبی، نویسنده و شاعر می‌کوشد اندیشه‌ها و عواطف خویش را در قالب مناسب‌ترین و زیباترین جملات و عبارات بیان کند. این آثار همان گفته‌ها و نوشته‌هایی هستند که مردم در طول تاریخ آنها را شایسته‌ی نگهداری می‌دانند و از خواندن و شنیدن شان لذت می‌برند.

فرهنگ درخشان ما جلوه‌گاه آثار ادبی بسیاری مانند شاهنامه، تاریخ بیهقی، مثنوی مولوی، بوستان و گلستان سعدی، غزلیات حافظ و ... است که در شمار غنی‌ترین و شیواترین آثار ادبی جهان قرار دارند.

ما نیز باید مانند نیاکان خویش، قدر این سرمایه‌های گرانبها را بدانیم؛ با خوب خواندن و درست فهمیدن این آثار ارزشمند، در نگهداری آنها با جان و دل بکوشیم و با تلاش روزافزون خویش بر غنا و عظمت آنها بیفزاییم.

این حقیقت را باور داشته باشیم که با وجود این میراث جاوید سرمایه‌ی باارزش - که مایه‌ی سربلندی ما در میان اقوام و ملل جهان است - می‌توانیم با نمایاندن درهائی از دریای ادب خویش، بیگانگان را نیز از فرهنگ و ادب ما بهره‌مند سازیم.

درآمدی بر انواع ادبی

در همه‌ی شاخه‌های دانش و هنر، دسته‌بندی و تقسیم‌بندی به انواع، برای آسان‌تر شدن شناخت و فراگیری سریع‌تر لازم است. برای شناخت و سنجش آثار ادبی نیز این کار ضرورت دارد. گذشتگان ما آثار ادبی را به‌طور عمده، براساس صورت و شکل ظاهری تقسیم‌بندی می‌کردند و همان‌گونه که می‌بینیم، جز دو قالب شعری قصیده و غزل، دیگر قالب‌ها مانند رباعی، دوبیتی، مثنوی و ... براساس

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

شکل نام گذاری شده اند. دسته بندی و نام گذاری آثار نثر فارسی نیز بر پایه ی شیوه ی نگارش آنها بوده است؛ مانند نثر ساده و مسجع و ...

در ادبیات جهان، آثار ادبی براساس اندیشه و محتوا به چهار نوع حماسی، غنایی، نمایشی و تعلیمی تقسیم بندی شده است.

درآمدی بر ادبیات داستانی

ادبیات غنایی

ادبیات تعلیمی

ادبیات حماسی

حماسه یکی از انواع ادبی و در اصطلاح روایتی است داستانی از تاریخ تخیلی یک ملت که با قهرمانی ها و اعمال و حوادث خارق العاده در می آمیزد، ویژگی اصلی حماسه، تخیلی بودن و شکل داستانی آن است. وجود انسان های آرمانی و برتر که از نظر نیروی جسمانی و معنوی برگزیده و ممتاز هستند، از دیگر ویژگی های حماسه به شمار می آید.

در حماسه رویدادهای غیرطبیعی و خلاف عادت فراوان دیده می شود و همین رویدادهاست که می تواند آرمان ها و آرزوهای بزرگ ملتی را در زمینه های مذهبی، اخلاقی و نظام اجتماعی نشان دهد و عقاید کلی آن ملت را درباره ی مسایل اصلی انسانی مانند آفرینش، زندگی، مرگ و جز آن بیان کند.

شاهنامه ی فردوسی نمونه ی اعلاای حماسه است که استاد سخن، بزرگترین شاعر حماسه سرا ابوالقاسم فردوسی ۳۲۹-۴۱۶ ه ق نظم آن را آغاز کرد. فردوسی بیش از سی سال برای نظم شاهنامه رنج برد و آن گونه که خود گفته است کاخی از نظم پی افکند که از باد و باران گزند نمی یابد. شاهنامه را می توان به سه بخش اساطیری، حماسی و تاریخی تقسیم کرد. غم نامه ی رستم و سهراب از برجسته ترین داستان های حماسی شاهنامه است.

منظومه های حماسی

حماسه در لغت به معنای دلاوری و شجاعت است و در اصطلاح، شعری است داستانی با زمینه های قهرمانی، قوی و ملی که حوادثی خارق العاده در آن جریان دارد. در این نوع شعر، شاعر هیچ گاه عواطف شخصی خود را در اصل داستان وارد نمی کند و آن را طبق میل خود تغییر نمی دهد، به همین سبب در سرگذشت یا شرح قهرمانی های پهلوانانه و شخصیت های داستان خود، هرگز دخالت نمی کند و به میل خود در مورد آنها داوری نمی کند.

در این جا، شاعر با داستان هایی شفاهی و مدون سرو کار دارد که در آنها شرح پهلوانی های عواطف و احساسات مختلف مردم یک روزگار و مظاهر میهن پرستی و فداکاری و جنگ با تباهی و سیاهی ها آمده است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

انواع منظومه حماسی

در ادبیات ملل، از یک دیدگاه، دو نوع منظومه ی حماسی می توان یافت.

۱- منظومه های حماسی طبیعی و ملی

که عبارت است از نتایج افکار و علایق و عواطف یک ملت که در طی قرن ها تنها برای بیان عظمت و نبوغ آن قوم به وجود آمده است. این نوع حماسه ها سرشار از یاد جنگ ها، پهلوانی ها، جان فشانی ها و در عین حال، لبریز از آثار تمدن و مظاهر روح و فکر مردم یک کشور در قرن ها معینی از دوران حیات ایشان است که معمولاً از آنها به دوره های پهلوانی تعبیر می کنیم. از این گونه منظومه های حماسی می توان حماسه کیل گمش و ایلیاد و ادیسه هومر، شاعر بزرگ یونان باستان و شاهنامه ی حکیم ابوالقاسم فردوسی را در ادبیات فارسی نام برد. در این دسته منظومه ها شاعر به ابداع و آفرینش توجهی ندارد بلکه داستان های مدون کتبی یا شفاهی را با قدرت شاعرانه ی خویش نقل می کند.

منظومه های حماسی مصنوع

در این منظومه ها شاعر با داستان های پهلوانی مدون و معینی سروکار ندارد بلکه خود به ابداع و ابتکار می پردازد و داستانی را به وجود می آورد. در این گونه داستان ها، شاعران آزادند با رعایت قوانینی که ناظر بر شعر حماسی است به دلخواه موضوع داستان خود را ابداع کنند و تخیل خود را در آن دخیل سازند، از این دسته می توان ظفرنامه ی حمدالله مستوفی در زبان فارسی و "انه ادید" سروده ی ویرژیل، شاعر روم باستان را برشمرد. ادبیات حماسی را از چشم اندازی دیگر، به حماسه های اساطیر و پهلوانی، حماسه های عرفانی و حماسه های دینی تقسیم کرده اند.

حماسه اساطیری قدیمی ترین و اصیل ترین نوع حماسه است. این گونه حماسه مربوط به دوران ماقبل تاریخ است و بر مبنای اساطیر شکل گرفته است. مثل حماسه سومری گیل گمش و بخش اول شاهنامه فردوسی. در این قسمت شاهنامه از "اوایل" سخن رفته است و مثلاً گفته شده است که اول کسی که گرمابه ساخت یا نوشتن آموخت که بوده است. قسمت هایی از ایلیاد و اودیسه رامایانه و مهابهاراتا را هم می توان جزو حماسه های اساطیری دانست. البته گاهی نمی توان ردپای قهرمان را دقیقاً در تاریخ جستجو کرد. در حماسه های پهلوانی، قهرمان معمولاً یک پهلوان مردمی است و برای او مرگ بهتر از ننگ است.

حماسه دینی یا مذهبی

قهرمان این نوع حماسه یکی از رجال مذهبی است و ساخت داستان حماسه بر مبنای اصول یکی از مذاهب است، مثل کمدی الهی دانت، خاوران نامه ابن حسام خداوند نامه ملک الشعراء صباي کاشانی.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

برخی از محققان، برای این نوع، حماسه های اخلاقی نام گذاشته اند و مهابهاراتا و رامایانا را مثال زده اند. به نظر ما حماسه های اخلاقی همان حماسه های دینی هستند و حتی می توان به آنها حماسه فلسفی هم گفت، زیرا در آنها مسایل عمیقی تفکر بشری از قبیل مرگ و زندگی و خیر و شر مطرح شده است.

معمولاً اقوامی که دارای زندگی فعال بودند و با اقوام دیگر جنگ یا صلح داشتند، دارای حماسه پهلوانی هستند؛ مانند یونانیان و ایرانیان باستان. اما اقوامی که فعالیت های برون مرزی نداشتند و به اصطلاح در خود بودند، بیشتر حماسه های دینی و فلسفی دارند، مانند چینیان و مصریان و هندیان باستان. در ایران هم بعد از حملات خانمانسوزی از قبیل حمله غزان و مغولان و تیموریان، زندگی درونی و درونگرایی بر زندگی بیرونی و برونگرایی غالب آمد و حماسه های عرفانی، جای حماسه های پهلوانی را گرفت.

حماسه های عرفانی

این نوع حماسه در ادبیات فارسی فراوان است. در این گونه، قهرمانان بعد از شکست دادن دیو نفس و طی سفری مخاطره آمیز در جاده طریقت، در نهایت به پیروزی که همانا حصول جاودانگی، از طریق فنا فی الله است، دست می یابد. تمثیلی سروده شده است. بگهوت گیتا را هم که از متون مذهبی هند محسوب می شود، گاهی حماسه عرفانی خوانده اند.

ممکن است انواع دیگری از حماسه هم وجود داشته باشند. مثلاً در ادبیات اروپایی نوعی از حماسه هست که به آن حماسه طنز و مسخره Mock Epic می گویند. این نوع حماسه برخلاف حماسه های واقعی، از زندگی امروزین انسان مایه می گیرد و جنبه طنز و مسخره دارد. بودلر می گوید: "حماسه طنز آن است که از زندگی امروزی بشر، ابعاد حماسی را استخراج و مشخص کنیم و به خود نشان دهیم که چگونه با کراوات و پوتین های واکس زده شاعرانه زندگی می کنیم و بزرگیم." این نوع حماسه در ادبیات فارسی چندان مرسوم نیست، اما به هر حال ما هم نوعی حماسه مسخره داریم که قهرمان آن به اصطلاح یک "پهلوان پنبه" است، یا کسی است که در توهمات خود اوضاع و احوال دیگری را می بیند، مثل رمان معروف دایی جان ناپلئون نوشته ایرج پزشک زاد. دن کیشوت سروانتس را هم شاید بتوان از این مقوله محسوب داشت.

در اینجا توضیح این نکته ضروری است که حماسه در هر صورت، چه فلسفی باشد چه عرفانی و چه اساطیری باید همواره در بافتی از شهسواری ها و بهادری ها و خطر کردن ها ارائه شود. به عبارت دیگر دل به دریا زدن ها و تن به خطر سپردن ها، مشخصه ها اصلی حماسه است.

ویژگی های حماسه

هر حماسه باید دارای چهار زمینه ی داستانی، قهرمانی، ملی، خرق عادت باشد.

زمینه داستانی حماسه

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

یکی از ویژگی های حماسه، داستانی بودن آن است بنابراین حماسه را می توان مجموعه ای از حوادث دانست. با این که در حماسه – بی هیچ تردیدی – مجموعه ای از وصف ها، خطبه ها و تصویرها وجود دارد، اما همه ی این عناصر نسبت به داستانی بودن در مرتبه ی دوم هستند.

زمینه قهرمانی حماسه بیشترین موضوع حماسه را اشخاص و حوادث تشکیل می دهند و وظیفه ی شاعر حماسی آن است که تصویرساز انسان هایی باشد که هم از نظر مادی ممتازند و هم از لحاظ نیروی معنوی، قهرمانان حماسه، با تمام رقتی که از نظر عاطفی و احساسی در آنها وجود دارد، قهرمانانی ملی هستند؛ مانند “رستم” در شاهنامه ی فردوسی.

زمینه حماسی ملی

حوادث قهرمانی که به منزله تاریخ خیالی یک ملت است در بستری از واقعیات جریان دارند. واقعیاتی که ویژگی های اخلاقی نظام اجتماعی، زندگی سیاسی و عقاید آن جامعه را در مسایل فکری و مذهبی در بر می گیرد. شاهنامه نیز تصویری است از جامعه ی ایرانی در جزئی ترین ویژگی های حیاتی مردم آن. در همان حال که با خواندن شاهنامه از نبردهای ایرانیان برای کسب استقلال و ملیت در برابر ملل مهاجم، آگاهی می یابیم، مراسم اجتماعی، تمدن و مظاهر و مدنیت و اخلاق ایرانیان و مذهب ایشان و حتی خوشی های پهلوانان و بحث های فلسفی و دینی آنان مطلع می شویم.

زمینه خرق عادت

از دیگر شرایط حماسه، جریان یافتن حوادثی است که با منطق و تجربه ی علمی سازگاری ندارد. در هر حماسه ای، رویدادهای غیرطبیعی و بیرون از نظام عادت دیده می شود که تنها از رهگذر عقاید دینی عصر خود، توجیه پذیر هستند. هر ملتی، عقاید ماورای طبیعی خود را به عنوان عاملی شگفت آور، در حماسه ی خویش به کار می گیرد و بدین گونه است که در همه ی حماسه ها، موجودات و آفریده های غیرطبیعی، در ضمن حوادثی که شاعر تصویر می کند، ظهور می یابند. در شاهنامه نیز وجود سیمرغ، دیو سپید، روبین تن بودن اسفندیار و عمر هزار ساله ی زال ... عناصر و پدیده هایی هستند که همچون رشته هایی استوار، زمینه تخیلی حماسه را تقویت می کنند.

شعر و ادبیات پایداری

تأمل و تحقیق در حوزه ی شعر و ادبیات پایداری و تبیین ابعاد گوناگون دفاع مقدس ملت ایران با بهره گیری از زبان گویای هنر یکی از ضرورت های انکار ناپذیری است که متأسفانه تا به امروز آن گونه که درخور این رخداد عظیم تاریخی است، مورد توجه جدی هنرمندان و اصحاب قلم قرار نگرفته است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

آثاری که توسط شاعران و نویسندگان پایداری خلق شده است، حجم کمی نیست، ولی در اینکه این آثار تا چه توانسته است در ابهام زدایی از این واقعه، رفع شبهات، روایت و ثبت حماسه ها، و به تصویر کشیدن و ماندگاری این رخداد شگفت تاریخی موفق باشد، جای بحث و تأمل فراوان دارد!

مقاله ی حاضر، متشکل از هشت یادداشت کوتاه، با موضوع شعر پایداری است، که در آن سعی شده مقوله ی شعر پایداری از زوایای گوناگون مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. البته طبیعی است که در قالب یک مقاله نمی توان به همه ی ابعاد این ژانر ادبی پرداخت و این مقاله تنها می تواند در حکم پیش درآمدی برای انجام تحقیقات گسترده تر و جدی تر در این حوزه باشد.

اهتمام جدی در پرداختن به شعر و ادبیات پایداری، ارائه تعریفی دقیق و قابل استناد، تبیین مؤلفه های آن، و کالبدشکافی و آسیب شناسی این گونه ادبی، یکی از ضرورت هایی است که بی اعتنایی به آن می تواند تبعات جبران ناپذیری برای نسل امروز و فردای انقلاب به همراه داشته باشد. اگر امروز ما با بهره گیری از ابزار هنری و زبان گویای هنر درصدد به تصویر کشیدن حماسه های جنگ و ثبت لحظه های ماندگار دفاع مقدس نباشیم، بدون شک بخش عمده ای از هویت ملی و تاریخی خویش را به دست فراموشی سپرده ایم. از همین رو بر اصحاب قلم فرض است که از این پس با دغدغه های جدی تر به این مهم اهتمام ورزند تا حقانیت دفاع هشت ساله ی ملت ایران در ذهن نسل پرشش گر آینده مورد تردید و انکار قرار نگیرد.

ادبیات پایداری، جلوه ای حماسی از هنر و ادبیات موعود است ما به عنوان یک انسان مسلمان که بهره ای از هنر داریم، چشم به آینده ی موعود دوخته ایم. آینده ای که خورشید مهدویت در آسمان جهان می درخشد و مستضعفان به وراثت زمین برگزیده می شوند. بنابراین "هنر و ادبیات" ما باید از هم اکنون چشم به افق این آینده ی موعود بدوزد و هنرمندان ما برای رسیدن به قاف کمال چنین آینده ی روشنی، کمر همّت ببندند.

حماسه سرایی در ایران باستان

بیشتر متون حماسی پهلوی که اصولاً به ادبیات شفاهی تعلق دارند، در دوره اسلامی یا به عربی و فارسی ترجمه شده یا از میان رفته اند. تنها متن حماسی موجود «یادگار زریران» است.

حماسه سرایی در ایران باستان بیشتر متون حماسی پهلوی که اصولاً به ادبیات شفاهی تعلق دارند، در دوره اسلامی یا به عربی و فارسی ترجمه شده یا از میان رفته اند. تنها متن حماسی موجود «یادگار زریران» است.

یادگار زریران:

این متن که رساله کوچکی است، در اصل به زبان پارسی و ظاهراً نثر توأم با شعر بود، اما به صورت کنونی آن به زبان و خط پهلوی است. ولی در خلال آن لغات و ترکیبات و ساختارهای زبان پارسی را نیز می توان دید و تنها بازسازی شعری بعضی از بخش های آن امکان پذیر است. در این اثر، از جنگ های ایرانیان با خیونان سخن رفته است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

هنگامی که گشتاسب و پسران و برادران و شاهزادگان و ملازمان او، دین مزدیسنی را می پذیرند و خبر ورود این دو فرستاده را می دهد و این دو به حضور گشتاسب بار می یابند و پیام ارجاسب را ابلاغ می کنند که در آن از گشتاسب می خواهد دین مزدیسنی را رها کند و با وی همکیش باشد و تهدید می کند که در غیر اینصورت، به ایرانشهر لشکر می کشد و آنجا را نابود می کند و مردمان را اسیر می گیرد. «زریر» - برادر گشتاسب و سپاه سالار او- به فرستادگان پاسخ می دهد که: «گشتاسب دین مزدیسنی را رها نمی کند.» بیدرفش و نام خواست با این پیام باز می گردند. جنگ در می گیرد که به پیشگویی جاماسب در آن بیست و سه تن از برادران و پسران گشتاسب، از جمله زریر و پادخسرو، برادران او و فرشادورد پسر او، کشته می شوند.

سرانجام، آنچه جاماسب پیشگویی کرده، اتفاق می افتد سپس «بستور»، پسر خردسال زریر، برای انتقام جویی به میدان می رود و بر سر تن بی جان پدر سوگ سر می دهد که از نمونه های زیبای سوگ در ادبیات ایرانی است. آنگاه به کمک اسفندیار- پسر گشتاسب- پیروز می شود و ارجاسب و خیونان شکست خورده، می گریزند.

مطالب این اثر از متنی اوستایی گرفته شده است که امروز اصل آن از میان رفته است. اما بخش هایی از آن در ضمن سرگذشت زردشت در کتاب هفتم دینکرد آمده است. شرح جنگ های گشتاسب و ارجاسب را دقیقی نیز به نظم کشیده و فردوسی آنها را عیناً نقل کرده است. در مواردی، مطالب این منظومه با «یادگار زریران» انطباق است. متن این رساله در مجموعه «متون پهلوی» به چاپ رسیده است. این رساله به فارسی نیز ترجمه شده است.

بعضی داستان های حماسی به زبان پهلوی، احتمالاً مجزا از «خدای نامه» وجود داشته که امروز در دست نیستند، اما نام آنها در منابع عربی و فارسی آمده است. از جمله «جاحظ»، به نقل از «مؤیدی»، مطلبی را به ترجمه عربی از «سیره اسفندیار» به فارسی در مورد میهن دوستی شاهزاده آورده است. از همین گونه است «داستان رستم و اسفندیار» که به روایت «ابن ندیم جبله بن سالم» آن را به عربی ترجمه کرده بود و کتاب «کی لهراسب شاه»، که به قول همین نویسنده آن را «علی بن عبیده ی الریحانی» به عربی برگردانیده بود، همچنین سکیسران که مسعودی آن را ذکر کرده و مترجم آن «ابن مقفع» بوده است. در این کتاب ظاهراً از قهرمان های سیستان، از جمله از کشته شدن اسفندیار به دست رستم و کشته شدن رستم به دست بهمن، سخن در میان بوده است. این نویسنده می آورد که ایرانیان این کتاب را بزرگ می شمردند. «اسدی» نیز، در ذیل لغت «وسناد» بیتی را به ترجمه فهلوی از نامه ی «پیران ویسه» نقل کرده است که ظاهراً درباره ی اعمال این پهلوان بوده است. شهردان بن ابی الخیر، در شرح اخبار «فرامرز و رستم» مطلبی را در مورد افراسیاب و کیخسرو از سروده نامه پهلوی و «تواریخ» دیگر نقل کرده است.

شاهنامه ی فردوسی، ایللیاد و اودیسه ی هومر و بهشت گمشده ی میلتنون از مشهورترین حماسه های جهان هستند.

ارسطو، نظریه پرواز نقد ادبی در یونان، حماسه را در رده های بعد از تراژدی قرار داده و در عصر رنسانس آنرا از تمام انواع ادبی دیگر برتر دانسته اند.

مشخصه های مشترک حماسه های ادبی

۱- قهرمان فردی است با اهمیت ملی یا حتی گیتی گستر، آشیل در ایللیاد، رستم در شاهنامه و آدم و حوا در بهشت گم شده نماینده های تمام عیار این ویژگی هستند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۲- فضای مکانی حماسه ها بسیار وسیع است و ممکن است گستره‌ای جهانی یا وسیع‌تر نیز داشته باشد ادیسه سراسر حوزه مدیترانه را در بر می‌گیرد و در دفتر یازدهم به جهان ارواح هم نزول می‌کند. شاهنامه تمام ایران را در بر دارد در زمانی که هستی تنها ۳ بخش داشت و بخش اعظم آن ایران بود که البته در مراحل متعدد توران را نیز مدنظر قرار می‌دهد. گستره ی بهشت گمشده ی میلتن کل جهان است چرا که در بهشت، زمین و جهنم رخ می‌دهد.

۳- اعمال داستانی شامل اعمال یک ابر انسان در صحنه ی نبرد است، اتفاقات جنگ تراوا در ایلید اوودلیسه و رزم رستم با دیوسپید و یا اسفندیار و ماجرای شورش فرشتگان طغیان‌گر علیه خداوند در بهشت، همسفر شیطان برای یافتن دنیای جدید و تلاش او برای غلبه بر خداوند از راه اغوای انسان و اقدام اسطوره‌ای مسیح برای ناکام ماندن او نمونه های بارز این مورد هستند.

۴- در جریان این حوادث نیروهای فوق طبیعی مثل خدایان و موجودات فرازمینی همواره بخش مهمی را بر عهده دارند خدایان کوه المپ در ایلید، سیمرغ در شاهنامه و یهوه و مسیح و فرشتگان در بهشت گمشده برای مثال ازین دست نیروها هستند. این نیروهای فوق طبیعی در دوران نئوکلاسیک آنقدر اهمیت یافتند که به عنوان «اسباب فوق طبیعی» نامیده شدند و جزء لاینفک حماسه محسوب گردیدند.

۵- منظومه ی حماسی تقریباً نوعی ماجرای تشریفاتی است و بی‌شک زبان آن می‌بایست فاخر و رفیع باشد و عمیقاً با زبان گفتاری تفاوت داشته باشد. زبان حماسی باید متناسب با اعمال پهلوانی و قهرمانانه ی روایت شده در متن انتخاب شود مثلاً سبک خاص روایت شاهنامه که آنچنان قوی بود که منبع تغذیه هزار ساله ی زبان فارسی را مهیا کرد و یا بهشت گمشده که اساساً با الهام از اشعار لاتین سروده شده است.

حماسه های مدرن

اگر ویژگی های سبکی کهن را در نظر بگیریم و به روح حماسی در اثر توجه داشته باشیم شاید بسیاری از شاهکارهای ادبی جهان را بتوانیم در دسته بندی حماسه ها محسوب کنیم از جمله:

کمدی الهی دانته

ملکه پریان اسپنسر

موبی دیک، هرمان منویل

جنگ و صلح تولستوی

و حتی یولیسس اثر جمیز جوبین

که در این آثار اثرپذیری از حماسه‌های کهن به خوبی آشکارست.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

نتیجه گیری:

داستان های شاهنامه در ایام باستانی بدین شکل نبوده و در طول روزگاران متمادی تحول یافته و دگرگون شده است. «مطالب اوستایی، چه آنها که در اوستای موجود دیده می شوند و چه آنها که از دست رفته و تنها ذکر از آنها در دینکرد بازمانده، فقط از شاهان پیشدادی و کیانی سخن می گویند، آن هم تا عصر گشتاسب. از داستان ها و قهرمانی های خاندان سام، زال و رستم در اوستا نشانی نیست و چنان نشانی نیست که به حذف شباهت داشته باشد، و معلوم است هنوز این داستان ها در عصر اوستایی شکل نگرفته بوده است، زیرا وجود همین داستان هاست که شاهنامه را به اثری عظیم تبدیل کرده است.» اگر داستان خاندان زال و رستم در دوره ی اوستایی وجود داشت، در متون اوستا اشاره هایی به آن می شد. برعکس، همه جا در اوستا سخن از گرشاسب، قهرمان و دلاور دینی، است. در حالی که تنها نام خاندان گرشاسب و لقب او، سام نریمان، به صورت نام پدر و پسر به شاهنامه رسیده است. نام سام در شاهنامه و گرشاسب نامه ی اسدی طوسی، ربطی به روایات اوستایی و پهلوی مربوط به گرشاسب ندارد. در اوستا از بهمن، نوه ی گرشاسب، و تداوم خاندان او تا اسکندر نیز سخنی به میان آورده نمی شود.

از این رو، می توان نتیجه گرفت که در گذار از اسطوره به حماسه تحولی عظیم و بنیادی رخ داده است. حماسه ی ملی ایران، هر چند ریشه در اساطیر کهن زرتشتی دارد، اما بیشتر مبتنی بر حفظ روایان شفاهی اساطیری حماسی بوده است و در این گذار، روند خاص خود را پیموده، دگرگونی و استحاله یافته تا به عصر اسلامی رسیده و در شاهنامه ی فردوسی بازتاب یافته است. در حقیقت، شاهنامه بیش از آن که به سنت اوستا و متن های پهلوی زرتشتی وابسته باشد، به سنت زنده و پویای روایات شفاهی و گاه مکتوب شرق ایران وابسته است و دلیل تفاوت های جدی آن با متن ها و مطالب اوستایی و زرتشتی پهلوی همین است. تنها شباهت عمده شاهنامه با روایات حماسی زرتشتی کهن و میانه، در نام شاهان پیشدادی و کیانی است.

منابع:

اسدی، سیامک، ۱۴۰۱، بررسی ادبیات حماسی، چهارمین همایش ملی پژوهش های حرفه ای در روانشناسی و مشاوره با رویکرد ازنگاه معلم، میناب

انصاری، پریا و فرزاد، عبدالحسین، ۱۳۹۷، ارائه شاخص های مطلوب بازنویسی و داستان گزینی آثار حماسی در ادبیات کودک و نوجوان با تاکید بر شاهنامه فردوسی

بلاغی، علی، ۱۳۹۹، جلوه های حماسی در ادبیات معاصر

جامی رودی، محمدسعید و جامی رودی، عبدالغفور، ۱۴۰۰، نقش روزی در ادبیات حماسی (شاهنامه و گرشاسب نامه)، شاهنامه و زبان فارسی، مشهد

جعفرپور، میلاد و علوی مقدم، مهیار، ۱۳۹۲، رویکردی انتقادی به نوع حماسی در ادبیات فارسی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

صادقی نیا، علی، ۱۴۰۱، بررسی ارتباط آموزش ادبیات حماسی با تقویت هویت ملی دانش آموزان دختر روستاهای مرزی شهرستان بيله سوار، هفتمین همایش بین المللی مطالعات زبان و ادبیات در جهان اسلام، تهران

کولانی، اعظم، ۱۴۰۱، تاثیر داستان های حماسی شاهنامه فردوسی در ادبیات کودک و نوجوان معاصر، سومین کنفرانس ملی علوم انسانی و توسعه، شیراز

وکیلی، مهران و بهرامی، محمدحسین، ۱۴۰۰، جایگاه ادبیات حماسی و مضامین آن در کتاب های فارسی دوره ابتدایی، شاهنامه و زبان فارسی، مشهد

ولی پورقره قیبه، هادی، ۱۴۰۱، مطالعه ی شاخصه های ادبیات حماسی در تئاتر دفاع مقدس، سومین همایش ملی هنرهای نمایشی و دیجیتال، دزفول